

۲۵ رمان‌های بزرگ دنیا /

۲۰۷

پیشوایان

(جلد اول)

در سال‌های اخیر، مپ ۲۰۱۸ مطابع کارخانه فرش قاجار شد و معاشرش دو جنگ بزرگ
غایتی‌سوز در فاصله ۷۰ ساله پیش از آنها احتران نهاده و مخصوصاً تاریک شدن
حال‌ها از خشم‌دهی عیظلهای دشمنی باشند. نوشتهٔ
ذکرگون شدن بسی جزء‌های حرب و ریخت و گروهی سرخورده و خود
از کف داده، که با تایپی یا سایر صفت‌های اینجا متناسب نیستند. نظریه‌ای که مکاری‌های بیرونی را
بایان‌ها را پیرایه کرد و این روشی که باعث می‌شود این اتفاقات را در میان افراد
دوچی و می‌حاصلی جای را اعلام و همه قضاطی را و همه حجایی را از کارهای امامی
نموده، موشیقی، نقاشی، ناتوانی و غیره ترجمه کرد. این اتفاقات بیانی می‌شوند
که این اتفاقات بیانی می‌شوند و برخی از این اتفاقات بیانی می‌شوند و برخی از این اتفاقات
حسینقلی مستغانم

حسینقلی مستعان

برآمده‌اند که ادب و هنر را در خدمت اسلام
ساخته‌اند. باریکه این اندیشه‌ها را می‌توان
برگ اجتماعی، و برای سرگوی

مؤسسة انتشارات أمير كبير

تهران، ۱۳۹۸

شرح زندگی ویکتور هوگو به قلم مترجم

هر فرد باسواند درباره ویکتور هوگو که بی‌شک از بزرگ‌ترین شعرای همهٔ قرون خصوصاً در سروden اغانی و قصاید است، و از نظر بلندی فکر و قوت تصور، و اهمیت ادبی و فلسفی و اخلاقی و تاریخی آثار، کمتر نویسنده و شاعر به پایش می‌رسد، کما بیش اطلاعی دارد، اما چون شرح زندگانی و آثار این نابغهٔ قرن نوزدهم به تفصیل در زبان فارسی کمتر نوشته شده است نگارنده با مراجعه به کتب و رسائل مختلفی که در زبان فرانسه در خصوص ویکتور هوگو تألیف شده است و با مطالعهٔ غالب آثار او خلاصهٔ مفیدی تهیه کرده‌ام که اینک در معرض استفاده عموم می‌گذارم:

تولد ویکتور هوگو

ویکتور هوگو در عصر منقلب و متلاطمی قدم به عرصهٔ وجود نهاد. خود در اولین قطعهٔ کتاب برگ‌های خزان تاریخ ولادتش را با اشاره به حوادث آن عصر چنین ذکر کرده است:

این قرن دو سال داشت،^۱ رم جای اسپارت را می‌گرفت.

از زیر جلد بنای پارت ناپلئون پدیدار می‌شد.

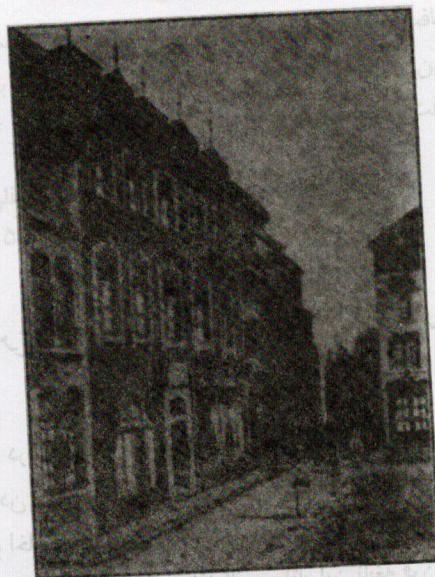
کنسول اول بود، اما پیشانی امپراتوری اش، این نقاب تنگ را در هم می‌شکست.

در چنین موقع، در بزانسون شهر قدیم اسپانیانی،

مانند حبه‌ای در معرض یک تندباد،

از نژادی، در عین حال، برتون و لورن طفلی، به وجود آمد...

۱. یعنی دو سال از این قرن (قرن نوزدهم) گذشته بود (۱۸۰۲).



می ترکم نسخین
تائیستان ۱۳۰۷
نایابی به عالم معرفت
مال و سیم بیش از
بعضیون خدمت
تندیم مهر زارم
ی مستعما
۱۳۰۹ دی ۱۳۰۹

نمای خانه‌ای که ویکتور هوگو در آن به دنیا آمد، واقع در بزانسون. این خانه هنوز به همین وضع باقی است. شماره ۱۳۸ خیابان گراندرو

ویکتور ماری هوگو در شهر بزانسون^۱ که پایتخت فرانش کونته^۲ و حاکم‌نشین فعلی دو،^۳ واقع در مشرق فرانسه است و روی رودخانه‌ای به همین اسم قرار دارد، روز ۲۶ فوریه ۱۸۰۲ متولد شد.

اصل و نسب ویکتور هوگو

ویکتور هوگو سومین فرزند ژوف لئوپولد سیژیسبر هوگو^۴ فرمانده گردان چهارم بیستمین نیم‌تیپ لشکر، و سوفی فرانسواز تربوشه^۵ دختر یک ناخدای قدیم کشتی بازرگانی مقیم نانت بود.



عمارتی که هوگو در آن به دنیا آمد به وضعی که در ۱۸۰۲ داشت.

ویکتور هوگو خود در نامه‌ای که در ۱۸۲۹ به بوردونه، وزیر داخله شارل دهم پادشاه فرانسه، برای امتناع از دریافت مستمری از این پادشاه نگاشته است می‌نویسد: *خانواده من که از ۱۵۳۱ عنوان نجابت داشته است همچنین مصنف کتاب ویکتور هوگو به حکایت یک شاهد زنگانی‌ش (اما دام ویکتور هوگو) که قسمت عمده این کتاب را ظاهرًا به تحریر شوهرش نوشته است) مدعی است که ویکتور هوگو از اعقاب یک خانواده کهن سال لورن است که در قرن شانزدهم در ودیف نجبا قرار گرفته.*

و نیز خود ویکتور هوگو ضمن بسیاری از آثارش، به قدمت و اصالت خاندانش اشاره کرده؛ مثلاً در جلد اول همین بینوایان از اسقف پتولماییس نام برده و او را عم بزرگ خود نامیده است. بعد در قسمت واترلو در همین کتاب به مناسبت قلعه اوگومون^۱ تردید کی میدان جنگ واترلو، گفته است که این اسم اوگومون در زبان لاتینی، هوگومون^۲ است و این ناحیه به اسم یکی از اجداد او نامگذاری شده است.



عمارتی که هوگو در آن به دنیا آمد به وضعی که در ۱۸۰۲ داشت.

1. Hougomon

2. Hugomons

1. Besançon

2. Franche - Conté

3. Doubs

4. Joseph-Léopold Sigisbert Hugo

5. Sophie Francoise Trébuchet (۱۷۷۰-۱۸۴۱)

کتاب اول

رمان‌های بزرگ دنیا / ۲۵

بینوایان

(جلد دوم)

نوشتۀ

بریس را کودکی است، حمل را بر عهده داشت، بحث‌ک نام دارد، کودک لات

ویکتور هوگو

آن دو فکر را که همچنان می‌خواستند می‌توانند در اینجا می‌دانند، با

دو جفت کنید، این دو شراره را باری سو کودکی از هر چیز که می‌شوند، می‌دانند،

ترجمۀ

آن موجود کوچک شادما

حسینقلی مستعان

ستفان اندی به تمام‌الحاله در راه رفته بود و می‌گفت: «لطفاً بخواهد، با

سرمه‌خاند می‌گش های آسمان است که همچویک از این ها را تبلیغ کرد و همچویی می‌نمود

کارهای جماعت زندگی می‌کند، خیال داشت همچویی همچویی همچویی همچویی همچویی

که همچویی همچویی همچویی همچویی همچویی همچویی همچویی همچویی همچویی

نامها ۰۶۷۷ - ۰۵۴۵ - ۰۳۰۰



مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران، ۱۳۹۸

کتاب اول

مطالعه در پاریس به وسیله مطالعه در اتم آن

روی سلسیو ل
خواهید بگردید که بسیان است تقاضه سایه سایه بسیان است چنانچه مطالعه در تجربه یا فلسفه
حصایق دارد اما خوبیه سایه است که در سورا هایی که در جاهایی که در جاهایی
خنک شده منزل خود را درخواست نمایند و اینها از اینها از اینها از اینها از اینها
گاه تند فریدند که اما نگاه می کنند و چنانچه اور است که هر چیزی که نیست او را بیند
است این عجیب بالتفه را که می نامد میان سکنها دنیال کر گشتن نظری خطر است
یک تدبیح دیگری که بلند کردن یک تکه از سرمه خوش خیابان و دین خوشگذری استه هر
لایه پاریس به مناسبت حاشیه های طالع
او سولن کوش خیزک سیار است
پاروولوس^۱ از اوان استه در گودال های شان دو

پاریس را کودکی است، جنگل را پرندهای؛ پرنده گنجشک نام دارد، کودک لات^۲
نامیده می شود.

این دو فکر را، که یکی سراسر آتش سوزان است و دیگری سراسر نور سپیدهدم، با
هم جفت کنید، این دو شراره را، پاریس و کودکی را درهم کوبید؛ موجود کوچکی از آن
بیرون می جهد. پلوت^۳ اگر باشد این موجود را هومونچیو^۴ می نامد.

این موجود کوچک شادمان است، همه روز غذا نمی خورد، و همه شب هر طور که
پسندش افتد به تماشاخانه می رود. نه پیراهنی به تن دارد، نه کفشه به پا و نه سققی بالای
سر؛ مانند مگس های آسمان است که هیچ یک از این ها را ندارند. از هفت تا سیزده سال
دارد. با جماعت زندگی می کند، خیابان ذرع می کند، در هوای آزاد منزل می کند، شلوار
کنه های به پا دارد که از پدرش به ارث برده است و از پاشنه پایش پایین تر می آید، کلاهی

۱. لغت لاتین به معنی «پسر بچه کوچک».

۲. این کلمه برابر Gamin اختیار شده است زیرا که در فارسی کلمه دیگری که این معنی را برساند نداریم و
کلماتی از قبیل «ولگرد» و «کوچه گرد» کمتر از «لات»، رساننده مقصودند، با توجه به آنکه بچه لات تهران
نیز از جنبه خوبی، کم و بیش همین خصوصیات «گامن» پاریس را دارد.

۳. ترجمة تحت الفظی این قسمت چنین است: «به جای آنکه به نقاشی مشغول شوم، وقتی را به کش رفتن
سبیها می گراندم». Rapin (شاگرد نقاش) و Rapine (دستبرد) است.

۴. Homuncio: لغت لاتین به معنی «مرد کوچک».